

نقشه در هدایت عملیات

گزیده سخنرانی تیمسار سرلشکر ظهیرنژاد ریاست محترم گروه مشاوران نظامی فرماندهی معظم کل قوا در اولین سمینار نقشه برداری، دورسجی و جغرافیا تحت عنوان «نقشه در دفاع، نقشه در سازندگی»، که اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ در سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح برگزار شده است.



جنگ علمی است بسیار سخت و مشکل من در هیچ یک از کلاسهای فرهنگی از هیچ شاگردی عقب تر نبوده ام، این را همه دوستانی که با من در یک کلاس درس خوانده اند می دانند. اما با اینهمه بعد از چهل و چهار سال خدمت در ارتش و کسب تجارب عدیده هنوز مجهولات زیادی در دانش نظامی پیش می آید که در بعضی شرایط حل مشکل، و پیدا کردن مجهولات به گونه ای که از سخت و درستی آن اطمینان قطعی به دست آورم میسر نمی شود برای موضوع مورد بحث نمونه ای را در مقیاس کوچکتر برای شما بیان می کنم. کوچکترین رده رزمی نسبتاً کامل که می تواند در ساموریه های بعضی شرایط به خودش متکی باشد گروهان رزمی است. این واحد در رزم مثلاً در حمله برای اینکه بتواند با موفقیت دفاع دشمن مقابل را شکسته و به هدف تاکتیکی خود دسترسی پیدا کند نیاز دارد که چهار بعد کلی و مهم و را که بر حسب شرایط منطقه باید با یکدیگر متناسب باشند انتخاب نماید، آن ابعاد عبارتند از بعد پرسنل، بعد اطلاعات، بعد عملیات، بعد لجستیک، فرمانده واحد برای انتخاب و فراهم کردن و یا آماده ساختن هر یک از آن ابعاد، صرف نظر از نیازی که به وقت دارد، هیچ نوع معادله ریاضی و یا معلومات از پیش تعیین شده کامپیوتری در اختیار ندارد که در ضمن آنها و یا با بهره برداری از معلومات کامپیوتری مقدار مناسب آنها را که هر کدام شان نیز به نوبه خود از ابعاد متعدد جزء تری تشکیل می شوند پیدا کند. آری او هیچ نوع رابطه ریاضی و یا جداول و معلومات از پیش تعیین شده ای در اختیار ندارد، جز انبوهی اصول و فروع و قوانین و قواعد مکتوب و ذهنی رزم، فرماندهی و مدیریت نظامی در امور طراحی و هدایت عملیات مختلف چیزی در اختیار ندارد. آری چنین فردی حتی اگر از نظر جسمی و روحی بسیار قوی بوده و ورزیدگی عملی نیز داشته باشد شرایطی را که آموخته با وضعیت هولناک منطقه نبرد تطابق کاملی ندارد و این در حالی است که ما تجربه های جدید و پیشرفته ای تازه را در محاسبات خود وارد نکرده ایم. با همه این سختیها کشور باید و حتماً با بد حداقل قدرت دفاعی مناسب با تهدیدات بانفس و بالقوه موجود را در اختیار داشته باشد. تا کنون «ویقیماً در آینده» سیر تمدن بشر و تاریخ حیات جوامع مختلف انسانی در اقصی نقاط جهان نشان داده است هر کشوری که در جهان قدرت نداشته حرفش حتی اگر حق باشد کسی و یا جامعه ای خریدار نبوده از این پس نیز خریداری نخواهد داشت. (و این حداقل لطمه ای است که بواسطه ضعف یک کشور به آن وارد می شود بسیاری از انبیا (ع) و اولیاء گرامی، متفکران و دانشمندان و فلاسفه بشر دوست فدای حرفهای حق خود شده اند، همواره اوپاش و قلدرها حق را فقط با زور و اعمال قدرت پذیرا شده اند

نه با بند و سوز و نصیحت، بالاخره کسی نمی تواند متکر این مسئله شود که برای حفظ و نگهداری آزادی و حقوق هر اجتماع رزنده، وجود ارتش و نیروهای مسلح قوی و منسجم یکی از ضروریات حتمی است. اما همین جنگ را با همه ابعاد وسیع اش که در بسیاری از اوقات منطقه بزرگی از جهان و یا قسمت بزرگی از یک بخش آن را فرامی گیرد انسانها طراحی می کنند و هم ایشان اند که هدایت می کنند طراحی عملیات رزمی در یک منطقه مشخص و بزرگ مستلزم آشنایی کامل طراحان به وضعیت منطقه است، دریاها و دریاچه ها، باتلاقها، آبرها، پستیا، بلندبها، معابر و شبکه های مواصلاتی، جنگلها، مراتع، جنس خاک، شهرها و روستاها و دشتها و معادن و مزارع، کارخانه ها و کلیه عوارض طبیعی و مصنوعی زمین، منطقه و مردمانی که در آن مناطق زندگی می کنند و ویژگیهایی از این قبیل و موضوعات زیاد دیگر از سوادری هستند که آگاهی کامل و دقیق از آنها جزء ضروریات کار برای طرح و هدایت یک و یا چندین سری از عملیات رزمی به شمار می رود. در مقابل این ابعاد وسیع و بزرگ منطقه نبرد (جاری، آتی و یا محتمل)، حواس انسان حتی با تجهیزات بصری دارای توان بسیار کمی است و برد توان بصری وسیعی و اوقاتدر نیست که با یک نگاه چند دقیقه ای همه این عوارض را در

وسایل یاد شده تکامل یافته‌اند اما آموزش و بهره‌برداری از نقشه و نقشه‌خوانی و برداشتهای ساده و مقدماتی و موارد مربوط به آن چون سابق است. اگر بهره‌برداری درست از نقشه به خوبی تعلیم داده نشود قطعاً کنجینه اطلاعات جمع‌آوری شده از منطقه که در اختیار ارتش و نیروهای مسلح قرار گرفته به‌طور شایسته مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

برای بهتر استفاده کردن از نقشه باید در سازمانها یک دگرگونی مثبت در آموزش نقشه‌خوانی و نقشه‌برداری به وجود آید. در قوانین جنگی اصلی وجود دارد به نام اصل سادگی، این اصل در مورد آموزش این چنین تفسیر می‌شود: اسنادی هنرمند است که بتواند با تهیه و بررسیهای قبلی و با ساده‌ترین روش و روشترین بیان و مفیدترین روشهای نمایشی مطالب علمی و مشکل را آنچنان تعلیم دهد که کم‌استعدادترین سرباز نیز قادر به فراگیری آن باشد.

می‌توان گفت که اکتار عملیاتی سسؤلان بلند پایه کشوری و فرماندهان عالی‌رتبه و حتی رده‌های پایین‌تر تا حدودی بر روی نقشه ترسیم می‌شود. اکتار پیاده شده روی نقشه زمانی خوب اجرا می‌شود که نقشه و اکتار ترسیم شده برای تمام رده‌ها قابل فهم و درک باشد.

همه نقشه‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند نمی‌توانند دارای یک مقیاس باشند. نقشه‌های با مقیاس کوچک و خیلی کوچک برای رده‌های بالا و بسیار بالا و نقشه‌های مقیاس بزرگ برای رده‌های پایین مناسب‌اند. یک گروه سرباز به عارضه‌ای حمله می‌کنند که معمولاً قطر آن حدود ۰ متر یا کمتر است. ۰ متر در نقشه با مقیاس 10.000: ۱ مقدار ۰٫۲ میلیمتری می‌شود که ناپیداست، پس اگر برای تهیه نقشه 10.000: 1 به بزرگ کردن نقشه 10.000: 1 اکتفا کنند، آن عارضه ۰ متر و بسیاری از عوارض کوچک دیگر روی نقشه جدید 10.000: 1 ناپیدا خواهند بود زیرا نقشه مادر 10.000: 1 از ابتدا آن عوارض را در بر نداشته است. پس برای بهتر کردن و با ارزش ساختن اطلاعات نقشه‌ای باید تا حد امکان هر نقشه و هر مقیاس مستقیماً نقشه برداری شود، به عبارتی دیگر بزرگ کردن نقشه‌های با مقیاس بسیار کوچک چاره‌ساز نیست.

برگردیم دوباره به اصل سادگی، در بیشتر چارتهای آموزشی و نمایشی مربوط به نقشه و نقشه‌برداری لغات فرنگی پشت‌سرم به نمایش گذاشته شده است. چرا بجای لغات فرنگی از واژه‌های فارسی استفاده نشده است و اگر لغت فرنگی جالب و یارساننده

یک منطقه بزرگ ببیند و به موقعیت دقیق، ابعاد و اندازه و کیفیت‌شان آشنایی حاصل کرده و اثرات هر کدام را در عملیات ارزیابی و تفسیر نماید. و با گزارشها و اطلاعات به دست آمده از اشخاص و عوامل اطلاعاتی را که مربوط به موقعیت و عوارض و ابعاد و کیفیت آنهاست، به خوبی درک کرده و از آنها در طراحی بهره بگیرد، همینطور است هدایت عملیات مختلف در دست اجرای واحدها، لشکرها و تیپها و گردانهای متعدد.

هر فرماندهی و یا نیرویی که اندازه و بزرگی آن در حد فرماندهی ستادی باشد به هیچ عنوان قادر نخواهد بود عملیاتی را حتی به کمک انواع دوربینهای امروزی از دیدگاه و یا دیدگاه‌هایی، فقط با دیدبانی مستقیم اداره و هدایت کند. برای فرمانده استراتژیست و ستاد او هرگز این امکان وجود نخواهد داشت که طرحهای عملیاتی مورد نظر خود را فقط با دیدن همه مناطق طرح کرده و همه عملیات و اقدامات رزمی و اداری نیروهای خویش را در روی زمین فقط با دیدبانی اداره کند و آنها را به سمت هدفهای از پیش تعیین شده هدایت و رهبری نماید. اما با همه این موانع و مشکلات، فرماندهان باید در طرح ریزیها و هدایت و اداره عملیات به گونه‌ای عمل کنند که دقیقاً منطقه رزم نیروهای خودی و وضعیت متغیر جریان نبرد را در پیش روی داشته باشند و همواره این شرایط را ببینند و این امکان میسر نمی‌شود مگر به کمک نقشه منطقه (البته با مقیاسهای متناسب برای هر فرماندهی و هر رده از نیروها).

نقشه در طراحی و هدایت عملیات تاکتیکی یکی از بزرگترین و مهمترین وسایل و ابزارهای فرماندهی است. عموماً در تمام رده‌های فرماندهی و خصوصاً به نسبتی که رده‌ها بزرگتر می‌شوند یکی از قاطع‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین باورزان است.

اما متأسفانه با همه اهمیتی که نقشه دارد، گاه دیده می‌شود که به آن حتی به اندازه آموزش یک سلاح کوچک مانند تفنگ نیز اهمیت داده نمی‌شود. اکنون وسایل و تجهیزات بسیار مدرنی به خدمت نقشه‌برداری درآمده و به کمک آنها می‌توان خیلی سریع نقاط را برداشت کرده و عوارض را ترسیم کرد. در گذشته‌ها با استفاده از قوانین هندسه رومی و با به کار بردن وسایلی از قبیل تخته سه‌پایه، ستاره شیب‌سنج، قطب‌نما، زاویه‌یابها، و اندازه‌گیری مساحی و حل مثلثاتی مثلثات نقاط را روی نقشه می‌آوردند و عوارض را رسم می‌کردند، البته با آهنگی کند و دشواری بسیار. اوایل اینک



چهارراه خود را به هشت راه تبدیل کنید یک راه بین شماره های ۳۶ و ۳۷ و به نام راه شماره ۴۵ و یک راه دیگر بین شماره های ۳۹ و ۴۰ و به نام راه شماره ۳۵ و راه دیگر بین شماره های ۱۸ و ۲۷ و به نام راه شماره ۲۴ و بالاخره آخرین راه را به نام راه شماره ۳۱ بین شماره های ۳۶ و ۳۷ تعیین کنید.

دوباره یک یک سربازان را وادار می کنیم که هر کدام و با هر دونه نفر از محل خاصی این ۸ راه را روی زمین ترسیم کرده و شماره گذاری کنند. بعد از یادگیری کامل این مرحله آنها را در یکی از نقاط جمع کرده و از فرد فرد آنها می خواهیم که بتواند یکی از راهها مثلاً راه شماره گذاری ۴۵ را تعیین کرده و در امتداد این خط از مرکز راهها مثلاً ۱۰ قدم راه پیمایی کنند این عمل را تاحدی تکرار می کنیم تا همه سربازان اولاً این راه را از هر نقطه روی زمین بتوانند ترسیم نمایند و ثانیاً از مرکز راهها، روی شماره راه گفته شده با اندازه دستور داده شده راه پیمایی کنند.

باز به آنها گفته می شود که می توانیم این ۸ راه را به ۱۶ راه و یا به ۳۲ راه و یا بیشتر تبدیل کنیم مری یکی از این چند راه را روی چسارت و یا روی زمین می کشد و شماره گذاری می کند و ضمن تمرین با سربازان یاد آور شود که اولاً راهها را در روی شماره آنها تعیین کنند و بعد در روی راه خواسته شده تا اندازه ای که گفته می شود راه پیمایی کنند. تمرین را تاجایی که هیچ کسی اشکالی نداشته باشد ادامه می دهیم.

مری سپس در همان جلسه یا جلسه بعدی تمرینات ساده و مرکب را یکی پس از دیگری تا حصول وزیدگی دنبال می کند. و پس از آنکه اطمینان یافت که برای کسی در این خصوص مشکلی باقی نمانده است درس را به این ترتیب ادامه می دهد که این گونه شماره گذاری خیابانها را گرای خیابانها و یا آزیموت خیابانها می گویم. اگر هر خیابان را یک امتداد بنامیم می توانیم این شماره ها را گرای امتدادها بگویم. بعد مری قطب نما را درست گرفته و به شاگردان توضیح می دهد که این قطب نما که شما قبلاً با آن آشنایی پیدا کرده اید می تواند در این خصوص برای شما دو کار انجام دهد و آنها عبارتند از:

- ۱) اگر شما امتدادی را بدانید کجاست ولی گرای امتداد (شماره خیابان) را نداشته باشید قطب نما می تواند آن گرا را برای شما معلوم کند.
 - ۲) و برعکس اگر شما امتداد را نداشته باشید (خیابان) ولی گرای آنرا داشته باشید (شماره خیابان) قطب نما خواهد توانست آن امتداد را به شما نشان دهد.
- بعد مری و کمک برسیها هر کدام این طریق کار قطب نما را به سربازان نشان

درست مفهوم به نظری می آید خوب است ابتدا لغت فارسی و یا مفهوم فارسی آن نوشته شده و سپس برای بیان توجیه بیشتر لغت فرنگی نیز درج گردد. آیا استفاده از لغات فرنگی زیادی سواد و معلومات نویسنده را نشان می دهد؟ استادی کسه توانسته مفهوم فارسی یک لغت فرنگی را بجای آن واژه بنویسد. حداقل وظیفه خود را به خوبی انجام نداده است.

به عنوان مثال گرای آزیموت مغناطیسی یک امتداد عبارت است از زاویه بین شمال مغناطیسی و آن امتداد، به شرطی که مبدأ شمال مغناطیسی جهت اندازه گیری زاویه جهت حرکت عقربه های ساعت باشد (خلاف جهت دایره شلتانی) در واقع انتهی قطبی حرکت یک فرد و یا یک عده از هر نقطه و یا از هر توقفگاهی در امتدادی که گرای آن معین است و یا به دست آوردن گرای امتدادی را که خود امتدادی معین است و یا مسابلی از این قبیل اهمیت زیادی دارند. با افراد نظامی وظیفه به سبب کم سواد و یا بی سواد نمی توانند از روی تعریف علمی گرای یک امتداد را بفهمند و آن را تعیین کنند. لذا ناچار و حتماً باید تعاریف را آنگونه ساده کرد تا برای این وظیفه کم سواد و یا بی سواد قابل فهم و درک باشد؛ اما چگونه؟

فرض کنید قبلاً به سربازان عدد خوانی حداقل تا ۱۰، شناسایی قطب نما و چهار جهت اصلی (شمال، شرق، جنوب، و غرب) یاد داده شده است. اکنون می خواهیم پیدا کردن گرای امتدادها و یا پیدا کردن امتدادها از روی گرای داده شده از یک نقطه و یا توقفگاه را آموزش بدهیم. کلاس را در صحرای تشکیل می دهیم. و یکی از سربازان نسبتاً خوب را در نقطه ای در جلوی کلاس مستقر می کنیم و به او می گویم از نقطه ای که ایستاده است چهار راهی را با خط کشیدن روی زمین طوری مشخص کند که یک راه به طرف شمال و یکی به طرف شرق و دیگری به سمت جنوب و چارسی نسبت به غرب امتداد پیدا کند در صورت نیاز سرباز کمک می کنیم تا این امتدادها را مشخص کند.

بعد به او می گویم راهها را شماره گذاری کند راهی را که به طرف شرق می رود شماره آنرا ۹ و راهی را که به طرف جنوب می رود شماره آنرا ۱۸ و راهی را که به طرف مغرب می رود شماره ۲۷ و راهی را که به طرف شمال می رود شماره آنرا ۳۶ تعیین کرده و روی امتدادها بنویسد. تمرین می کنیم همه سربازان هر کدام

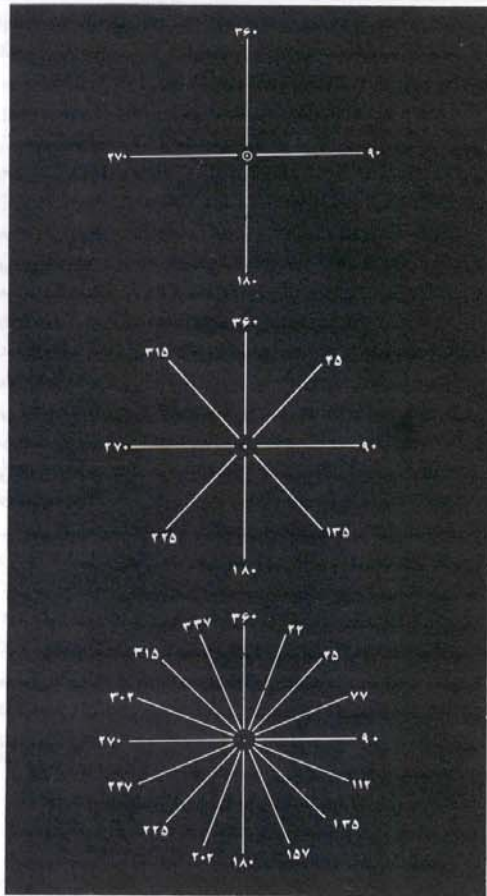
در یک نقطه ای این امتدادها را مشخص کرده شماره گذاری کنند. وقتی که این مطلب گفته شده و تمرین انجام شده را فهمیدند می گویم حالا



داده به دفعات لازم با هر کدام از آنها تمرینات متعددی انجام می دهند تا اینکه مشکلی در پیدا کردن گزای امتدادها و حرکت در امتداد گزاهای معین برای آنها باقی نماند.

به این ترتیب سلاخه می شود که از طریق تهیه و تفکر قبلی در مورد درس می توان دروس مشکل را به موضوعات ساده و قابل فهم تبدیل کرده و از آن طریق مسائل و مشکلات را برای طبقه ای که یادگیری آن به صورت علمی برای آن طبقه مشکل است به صورت آسان و قابل فهم آن طبقه تدریس کرده و یاد داد. نهایتاً باید بیان شود که درست است نقشه گنجینه اطلاعات ضروری از منطقه است ولی اگر استفاده کنندگان طرز استخراج اطلاعات و بهره برداری از آن را ندانند و یا کم بدانند این گنجینه بلااستفاده و یا کم استفاده باقی خواهد ماند. پس سلاخه می شود که تنها تهیه کردن نقشه کافی نیست بلکه آموزش بهره برداری از نقشه نیز باید ضروری و مهم شمرده شود.

نقشه هایی که در امور نظامی مورد استفاده واقع می شود به موجب بزرگی و کوچکی رده استفاده کننده متنوع اند برای هر رده اطلاعات مورد نیاز آن رده باید در نقشه وجود داشته باشد در رده های بالا نقشه باید اطلاعات استراتژیک لازم نظامی را همراه با ابعاد سیاسی و منابع اقتصادی و اجتماعی منطقه برای استفاده کننده تا حدودی که امکان داشته باشد ارائه کند در رده های پایین و تاکتیکی نقشه باید تا حد امکان جنبه های تاکتیکی منطقه را آشکار کند و مقیاس نقشه ها باید طوری انتخاب شود که نقشه قادر به ارائه اطلاعات ضروری مربوطه باشد و بالاخره باید به این نکته توجه کرد که با بزرگ کردن نقشه استراتژیک نمی توان از آن نقشه، نقشه های تاکتیکی رده های پایین را به دست آورد. در تهیه نقشه ها ضرورتاً علاوه بر مهندسان دانشگاهی در امور نقشه باید نظامیان متخصص در امور نقشه های استراتژیک و تاکتیکی نیز مشورت داشته باشند. اطلاعاتی که مورد نیاز یگانهای توپخانه محرابی بوده و از راه نقشه به دست می آید درست منطبق با نیازمندی یک گردان تانک و یا یک گردان پیاده و یا یک واحد لجستیکی و یک گردان مهندسی و مخابرات و یا یک فرمانده لشکر نیست در یک نقشه نظامی تاکتیکی باید اطلاعات مورد نیاز همه رده های تاکتیکی ثبت و رسم گردد و این کار به متخصصان آگاه نظامی نیاز دارد و تنها با کارشناسان غیرنظامی امور نقشه، نیاز رفع نمی شود و نقشه ها بارور نمی گردند در جلسه امروز آگاه شدم که در کشور سازمانهای مختلفی وجود دارند که فعالیتها آنها تهیه نقشه های خاص برای استفاده مؤسسه ای بخصوص



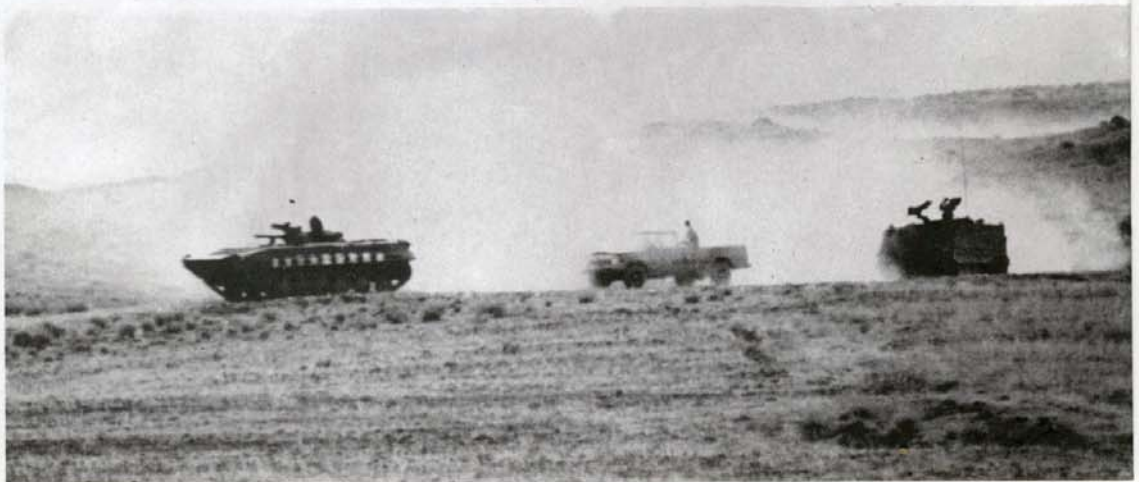


و یا وزارتخانه‌ای خاص می‌باشد. البته بقیه این سیستم‌های چندگانه ماسور تهیه نقشه بخصوص درست نیست و ارائه این وضع مطمئناً سبب اسراف در وقت، بودجه و پرسنل و تجهیزات متعلق به نظام حکومت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، وقتی که سازمان جافتاده و با سابقه و صاحب تجربه‌ای مانند سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح وجود دارد که ماسورت آن تهیه انواع و اقسام تقسیمات نظامی زمینی، دریایی و هوایی از کشور با مقیاس‌های متنوع برای استفاده مقامات کلیدی و با بالای سلطنت و نظام (استراتژیک) و همچنین برای استفاده کلیه نیروهای نظامی و انتظامی (استراتژیک و تاکتیکی) می‌باشد این به صلاح نیست که یک سازمان دیگری برای اینکه بتواند یک سری مؤسسات مربوط به سازمان خود را در نقشه بگنجاند (مثلاً تأسیسات نفتی) تمام کارهای انجام شده و موجود در سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح را مجدداً هزینه‌گذاری کرده و با صرف پول و وقت و پرسنل و تجهیزات (که عموماً اگر اقیامت می‌باشند) آنها را دوباره به دست آورد.

برای هر نوع نقشه چه نظامی، و چه راه و چه دیگر مؤسسات کشوری یک سری نعلایت، مشترک لازم است که الزاماً باید انجام گیرند. (مانند پستیها و بلندپها، راهها و رودخانه‌ها و پلها و فرودگاهها و ترمینالها و غیره روی نقشه‌ها). چه بهتر سازمانهای دیگر از تلاشهای انجام شده سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح که برای همه نقاط سلطنت موجود است، بهره‌برداری کنند.

اگر یک گروه رابط فنی وظیفه مبادله اطلاعات مربوط به نیازمندیهای نقشه‌ای سازمانها را عهده‌دار باشند سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح خواهد توانست زودتر از سازمانهای موجود آنها و در کمترین وقت و هزینه و کمترین تلاش، اطلاعات نقشه‌ای آنها را بر طرف کند زیرا سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح حداقل ۸۰٪ کارهای لازم انجام شده را در اختیار دارد.

و بعلاوه شنیده شد که بعضیها تصور می‌کنند که سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح تنها ماسور تهیه نقشه‌های نظامی از مناطق مرزی می‌باشد و به نقاط دیگری کاری ندارد. البته مطمئناً این تصور اشتباه است زیرا اولاً برای نیروهای مسلح تنها مناطق مرزی میدان عملیات محتمل نیست، بلکه همه مناطق کشور ممکن است روزی به میدان عملیات تبدیل شود. شما تا کنون شاهد زُد و خورد مسلحانه و مبارزه بی‌گیر عوامل نیروهای مسلح در داخل کشور با خیانتکاران، منافقان، قاچاقچیان و نیروهای چریکی و گروههای مسلح خائن بوده‌اید. ثانیاً، علاوه بر ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ما دارای سه نیروی بزرگ ژاندارمری،







همسان سازی نامهای جغرافیایی

همزمان با میلاد هجسته بزرگ بانوی جهان اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها سلام چهارمین اجلاس جهانی بخش آسیای غربی سازمان ملل متحد تحت عنوان «کنفرانس بین المللی همسان سازی نامهای جغرافیایی» در سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برپا گردید. مراسم افتتاحیه این سمینار که استادان دانشگاهها و کارشناسان دستگاههای اجرایی کشورهای عضو کشورهای آسیای جنوب غربی و جمهوری تاجیکستان شوری حضور داشتند با سخنران آقای مهندس اکبر ترکان وزیر محترم دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح آغاز شد. در طی سه روز (۱۷ تا ۱۹ دی ماه ۱۳۹۹) مسائل مختلف همسان سازی نامهای جغرافیایی مورد بررسی دقیق قرار گرفت. در پایان سمینار با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد.



کمیته و شهربانی در داخل کشور هستیم اینها نیز برای طرحریزی و هدایت عملیات خود بر علیه جنایتکاران و قاچاقچیان و سارقان مسلح و گروههای خیانتکار در داخل کشور نیاز حتمی به نقشه‌های نظامی دارند.

از نقطه نظر دیگر، کسی نمی‌تواند تضمین بدهد که دشمن خارجی همواره در مناطق مرزی عمل کرده و همه نقاط داخل کشور از امنیت نظامی برخوردار خواهند بود. این یک امر واضح است که دشمن احتمالی بسته به نوع هدفی که خواسته باشد به آن برسد ممکن است تهاجم خود را از مناطق مرزی شروع کند و یا آنکه مبدأ عملیات خود را یک سری عملیات آبخاکی و با یک سری عملیات هوایرد (افرادی یا با هم) در یک منطقه حیاتی و حساس داخل کشور قرار دهد و با این عملیات را همراه با عملیات زمینی در یک منطقه مرزی هدایت کند.

فرض کنید دشمن مفروض خواسته باشد، حکومت کشور مورد نظر خود را ساقط کرده و حکومت دلخواه خود را بر آن کشور تحمیل کند و منظور و هدف او تصرف سرزمین طرف مقابل نباشد یکی از کارهای عملی و محتمل در تهیه و هدایت یک هجوم هوایرد بانویری کافی بر علیه پایتخت آن کشور و محاصره مرکز حکومت به وسیله نیروهایش می‌باشد تا بتواند در مدت دوسه روز حکومت را ساقط کرده و همه کارها را تمام کند. و یا ممکن است دشمن بر علیه یک تأسیسات حیاتی کشور در یکی از مناطق و شهرهای داخلی یک دستبرد هوایرد و یا یک دستبرد نفوذی از راه دریا، هوا و زمین بزند و هدفش انهدام مؤسسه و یا به غنیمت و یا به گروگان بردن تجهیزات مدرن و با شخصیت‌های خاصی باشد و عملیات دیگری از این قبیل. لذا برای همه این عملیات محتمل دشمن نقشه نظامی ضرورت دارد که باید از پیش تهیه شود. و بالاخره به این نکته باید توجه کرد که نیروهای مسلح اصولاً در خط تماس می‌جنگند و این خط تماس ممکن است در مناطق مرزی واقع شود و با همه نقاط مملکت را در برگیرد بنابراین بدون شک ماموریت سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح باید در اولویت قرار دادن مناطق مرزی تهیه نقشه‌های نظامی برای همه مناطق کشور باشد برای جلوگیری در اسراف وقت و پرسنل و بودجه و تجهیزات ماموریت سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح علاوه بر تهیه نقشه‌های فرآگیر برای همه سازمانهای ارتشی ارائه خدمت به دیگر سازمانهای کشوری را نیز مد نظر داشته باشد مشروط بر آنکه گروههای متخصص آن سازمانها در این سازمان مشغول باشند. من عرضم تمام شد مطالب خود را با سروده‌های مولوی تمام می‌کنم.

گفت پیغمبر که حق فرموده است من ننگجم هیچ در سالا و بیست
بسر زمین و آسمان و عرش نیز من ننگجم این یقین دانای عزیز
پروردگارا پس کجا گنجایش وجود مقدس تو را دارد؟ مولوی ادامه می‌دهد.
در دل مؤمن ننگجم ای عجب گمرا جویی در این دلها طلب
بهترین فرهنگ، بهترین تمدن و برحق ترین دین و برحق ترین مذهب هستیم
قدرا این نعمت را باید بدانیم و خودمان را اگر در قرآن کریم و قوانین نجات بخش
الهی جمع کنیم دست در دست هم بدهیم تا قدرت و توان بالقوه خود را صیقل
داده و آماده کنیم تا به فعل درآید تا هیچکس نتواند معترض ملت و کشور اسلامی-
مان ایران بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته